

## عنوان مقاله:

تفسیر قضایی در حقوق عمومی

## محل انتشار:

مجله حقوقی دادگستری، دوره 82، شماره 102 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

## نویسندگان:

اسدالله یآوری - عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

پرهام مهرآرام - دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

## خلاصه مقاله:

حقوق عمومی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از دیگر شاخه‌های حقوق متمایز کرده است. وجود چنین تمایزی این پرسش را بر می‌انگیزد که آیا این شاخه از حقوق دارای روش منحصر به فرد خود در تفسیر است یا خیر. در پاسخ باید گفت که حتی اگر این چنین نباشد، بعضی از روش‌های تفسیری با ماهیت حقوق عمومی بیشتر سازگار و یا حداقل در حوزه‌هایی کارآمدتر هستند. برای نمونه، ناکارآمدی‌های مکتب منشاکرا در حقوق عمومی به خصوص از نیمه دوم قرن بیستم بسیار مورد بحث بوده است. در حقوق اساسی، ماهیت خاص قانون اساسی به عنوان سندی دارای ابهامات بسیار با واژگان عام و کلی، همچنین به عنوان مهم‌ترین سند در تنظیم و توزیع قدرت و بیان حقوق بنیادین، تفاسیری که مبتنی بر تعیین متن و معنا باشند را با مشکل روبه‌رو می‌کند. در حقوق اداری نیز، با توجه به تحولات بنیادینی که در اداره مدرن اتفاق افتاده است و همچنین زیر سوال رفتن بسیاری از پیش‌فرض‌های اساسی آن مانند حاکمیت قانون و تفکیک قوا رویکردهای صرفاً منشاکرا پاسخ‌گو نیستند و امروزه گرایش به سمت مکاتب پویاتر وجود دارد و این امری است که در توزیع قدرت در میان نهادهای قضایی، شبه قضایی و اداری نقش محوری دارد.

## کلمات کلیدی:

تعیین معنا، منشاکرای، مکاتب پویا، تفسیر قضایی، حقوق اساسی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1199014>

